

مقدمه:

سلامت مردم به عنوان یکی از پیش نیازهای رفاه اجتماعی یک کشور بر توسعه اقتصادی، اجتماعی، روانشناختی و سیاسی آن کشور تاثیر می گذارد. با وجود این که بخش سلامت یکی از اولویت های مهم در تخصیص بودجه دولت است مشکل کمبود منابع مالی برای توسعه مراکز درمانی، کاهش توان مالی دولت در استمرار تامین مالی بخش بهداشت و درمان و بالا بودن سهم مردم از هزینه های درمان یکی از چالش های اقتصاد برای دسترسی عادلانه به این امکانات است. بالا بودن هزینه های درمانی برای خانواده ها، به خصوص اقشار آسیب پذیر، باعث می شود که خانواده ها برای تامین هزینه ای درمانی از مخارج ضروری خود بکاهند و در نتیجه شرایط رفاهی خانوارها تنزل یابد.

یکی از عوامل اساسی در حفظ و ارتقای سلامت، دسترسی به امکانات بخش بهداشت و درمان می باشد. با توجه به لزوم تامین اجتماعی و بهداشت برای همه مردم ایران (اصل ۲۹ قانون اساسی) و تامین نیازهای اساسی از جمله بهداشت و درمان برای همه (اصل ۴۳ قانون اساسی) و در راستای تحقق عدالت در برخورداری از سلامت، رفاه و تامین اجتماعی در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، توسعه و دسترسی عادلانه به خدمات درمان حائز اهمیت است اما با وجود اینکه بخش سلامت یکی از اولویت های مهم در تخصیص بودجه دولت است مشکل کمبود منابع مالی برای توسعه و تجهیز مراکز درمانی دولتی، کاهش توان مالی دولت ها در استمرار تامین مالی بخش بهداشت و درمان و بالا بودن سهم مردم از هزینه های درمان در بخش خصوصی یکی از چالش های اقتصاد برای دسترسی عادلانه به این امکانات است. ناکافی بودن برخی از تجهیزات در بخش دولتی باعث می شود افراد برای دسترسی به این خدمات به مراکز خصوصی مراجعه کنند و اقشار آسیب پذیر با توجه به بالا بودن سهم آنها در تامین هزینه های درمان از مخارج ضروری خود بکاهند و در نتیجه شرایط رفاهی خانوارها تنزل یابد و منجر به فقر سلامت شود.

بررسی تجربه کشورها نشان می دهد که تامین مالی بخش بهداشت از طریق دولت، خانوارها، کمک های اهدایی مردم، سازمان غیر دولتی، نهاد های خیریه و سازمان های بین المللی انجام می شود. در کشور های اسلامی، اوقاف و درآمد حاصل از آن یکی از راه های تامین مالی زیر ساخت های عمده ی اقتصادی است. با بهره گیری از درآمدهای اوقاف می توان رهیافت های مناسبی برای تامین مالی، توسعه و تجهیز مراکز درمانی و افزایش سطح بهداشت به خصوص برای اقشار آسیب پذیر و محرومان جامعه ارائه داد.

اثرات هزینه درمانی بر جامعه:

توسعه تکنولوژی و دانش پزشکی از یک سو و نیاز به فراهم نمودن تجهیزات جدید متناسب با دانش روز و انتظارات بهداشتی و درمانی از سوی دیگر، با افزایش هزینه های درمان مشکلات بزرگتری را در زمینه تامین مالی هزینه های بهداشتی و درمانی و افراد جامعه به وجود آورده است. در شرایط غیر عادلانه و بالا بودن پرداخت ها و عدم تامین مالی و تجهیز مراکز درمانی، خانوارها به خصوص اقشار آسیب پذیر دچار مشکلات متعددی خواهند شد.

بر اساس تئوری سرمایه انسانی، انسان محرومی توسعه پایدار است و سلامت به عنوان عاملی مهم در رشد اقتصادی می باشد. سلامتی افراد به عنوان ذخیره سرمایه است و با وجود این که گذر طبیعی عمر، این سرمایه گرانبها را مستهلک می سازد اما بیماری باعث استهلاک غیر طبیعی آن می شود و سرمایه گذاری در بخش سلامت منجر به جبران این استهلاک خواهد شد. گروه آسیب پذیر جامعه به واسطه تامین مالی برای دستیابی به برخی از فرآیندهای درمانی که در مراکز دولتی و تحت پوشش بیمه انجام نمی شود به ناچار از مخارج ضروری خود مانند خوراک، آموزش و تحصیل می کاهند و علاوه بر کاهش رفاه خانوار بر فرایند انباشت سرمایه و در نهایت تولید، رشد و توسعه اقتصادی جامعه در آینده تاثیر خواهد گذاشت.

حیاتی بودن خدمات سلامت، عدم تقارن اطلاعات زمینه ایجاد تقاضای القایی را فراهم می کند و وضعیت انحصاری در ارائه خدمات بر رقابت پذیری این بخش اثر می گذارد و به دنبال آن اثرات خارجی و ناهمگونی خدمات و ایجاد بازار ناکامل و محصول ناهمگن به همراه افزایش فزاینده هزینه های سلامت منجر به شکست بازار در ارائه خدمات سلامت می شود. بنابراین شکست بازار در حوزه سلامت حضور دولت را الزامی می کند اما با توجه به عدم ناکارآمد بودن و شکست دولت در تامین مالی، پایدار بخش درمان برای تجهیز مراکز درمانی در راستای افزایش عدالت در دسترسی به امکانات و کمک به افراد آسیب پذیر و کم درآمد در تامین هزینه های درمانی نیازمند می باشد. در برنامه های توسعه نیز بر کاهش سهم مردم از هزینه های سلامت، بهبود وضعیت عدالت در تامین مالی و تامین منابع مالی پایدار برای بخش سلامت تاکید شده است. درآمدهای بالقوه موقوفات می تواند در تامین مالی این بخش مورد استفاده قرار بگیرد.

در جوامع اسلامی وقف به عنوان یکی از راه های تامین مالی است که با تغییر در کاربرد منابع، آن ها را به یکه سرمایه گذاری مولد تبدیل می کند که خدمات و درآمدی را برای مصرف نسل آینده فراهم می سازد. وقف سبب افزایش پس انداز و کاهش مصرف می شود و سرمایه ایجاد شده در اثر افزایش پس انداز می تواند مولد کالاها و خدمات باشد و تولید ناخالص داخلی را افزایش دهد.

وقف و جایگاه آن در بخش درمان:

کلمه وقف در زبان فارسی به معنای ایستادن، ماندن و آرام گرفتن است. اما این لغت از نظر فقهی عبارت است از حبس عین الملک و بخشیدن منفعت آن، که در این صورت ملک از تصرف واقف بیرون می آید. بخشیدن منفعت آن، باید به شخص یا اشخاص، یا مصالح و وجوه کلی و عمومی باشد. اسلام سنت وقف را که از سالهای دور وجود داشت در مسیری منطقی، هدفمند و مترقی قرار داد. اهمیت وقف را می توان از ابعاد کارآفرینی، توسعه ی پایدار، تأمین بهداشت و درمان، گسترش رفاه، کاهش فقر مادی و رونق گردشگری بررسی کرد.

مقوله وقف به عنوان یکی از سنت های قدیمی و مهم در بین اقوام، ادیان و ملل مختلف به دلیل حس نوع دوستی و عشق و علاقه به یکدیگر به صورت فطری وجود داشته و همواره افراد حاضر شده اند بخشی از ثروت و دارایی خود را در جهت بهره مندی عمومی و اختصاصی گروهی از آحاد جامعه اختصاص دهند. مردم مسلمان ایران نیز با تکیه بر فرهنگ اسلامی و منظور تقرب الهی نسبت به وقف توجه ویژه ای از خود نشان داده اند. وقف یکی از بهترین راه های تامین مالی و مظهر احسان و نیکوکاری و کمک به مصالح جامعه است. که علاوه بر مبارزه با خود محوری و ثروت اندوزی، به کاهش فقر و مفاسد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمک می کند. وقف و درآمد های وقفی در پر کردن خلا های اجتماعی نقش بسزایی خواهند داشت. دولت می تواند با هدایت موقوفات در جهت رفع نیازهای ضروری جامعه و اختصاص این درآمدها در بخش هایی که بودجه دولت کافی نمی باشد، در توسعه و بهبود اوضاع جامعه تاثیر بسزایی داشته باشد. در قرآن کریم با وجود اینکه کلمه وقف به صورت مستقیم بیان نشده است اما ۲ آیه به باقیات صالحات، ۱۰ آیه به خیر و خیرات و حدود ۱۵ آیه به صدقات و در ۶۰ آیه به انفاق اشاره شده است که مصداق وقف می باشد و نشان دهنده اهمیت آن در آیات اسلامی است. وقف شامل وقف اموال، وقف سهام، وقف پول و اوراق وقفی است.

وقف اموال با هدف حل مشکل فقر می باشد و برای این که افراد با هر توان مالی بتوانند در پروژه های وقفی شرکت کنند از اوراق وقفی استفاده می شود. این اوراق ابزار مناسبی برای رشد و توسعه اقتصادی است. اوراق وقفی با جذب نقدینگی مازاد مردم خیر و هدایت آن ها در طرح های عام المنفعه در ایجاد اشتغال و عدالت توزیعی جامعه موثر می باشد اوراق وقفی شامل اوراق وقف پول و اوراق وقف گروهی می باشد.

وقف مراکز درمانی و بیمارستان ها، تامین تجهیزات درمانی بیمارستان ها و درمانگاه ها در راستای کاهش هزینه های درمانی مردم می تواند در اجرای عدالت موثر باشد. بیمارستان ها و درمانگاه های وقفی وسیله ای برای کاهش هزینه های درمانی مردم است. در کشور های اسلامی، وقف اموال در امور درمانی به دلیل جنبه های انسان دوستانه و سفارش های مکرر اسلام مبنی بر کمک به ناتوانان و بیماران، همواره مورد توجه افراد خیر بوده است.

تمرکز اصلی وقف در حوزه ی سلامتی مردم، بر حوزه ی درمان بوده است؛ به طوری که هم اکنون حدود ۲۵ درصد از مراکز درمانی کشور موقوفه هستند و در سطح کشور بیش از ۱۴۰۰ موقوفه ی درمانی وجود دارد. وقف و خیرات در کشورهای مختلف مسلمان و غیرمسلمان وجود دارد. نذورات مردمی و بنیادهای خیریه ی کشورهای اروپایی و بهخصوص آمریکای شمالی از ابزارهای رشد توسعه و تحول فرهنگی جوامع این کشورهاست. در دنیا نیز نظیر ایران، وقف در حوزه ی سلامت یکی از موارد شایان توجه است. فقر مادی برخی از یک سو و نیاز به درمان و تحقیق و پژوهش در حوزه ی بیماریها از سوی دیگر، کشورهایی از قبیل انگلستان و فرانسه را بر آن داشته است تا مراکز درمانی تحقیقاتی خیریه را راه اندازی کنند؛ همچنین برای نیل به این هدف، قانون گذاری های جدیدی هم صورت گرفته است. در قانون فرانسه به وقف (خیری) تصریح شده است؛ یعنی اختصاص دادن مالی معین برای همیشه به عمل خیر، از جمله ی این موقوفات می توان به شکل گیری انستیتو پاستور پاریس در سال ۱۸۸۷ توسط لویی پاستور و عده ای از خیرین فرانسوی از اقصا نقاط دنیا اشاره کرد.

شرایط وقف: در وقف مال برای همیشه از دارایی مالک خارج می شود و او دیگر نمی تواند آن را بفروشد یا اجاره دهد یا طلبکارانش آن را توقیف کنند. همچنین منافع مال باید در راه خیر مصرف شود.

اموال وقف نشدنی: آنچه که وقف می‌شود باید کالای قابل مشاهده و قابل لمس باشد. پس نمی‌توان حقی مانند حق تألیف را وقف نمود و اگر وقف بشود باطل است. همچنین نمی‌توان بدون آنکه خود مال را وقف نمود، منفعت آن را وقف کرد. مالی که وقف می‌شود باید مصرف نشدنی باشد یعنی با اولین استفاده معمول از بین نرود مانند آشامیدنی‌ها.

خیار شرط در وقف: خیار شرط در وقف، هم خودش باطل است و هم وقف را باطل می‌کند. مانند اینکه واقف شرط کند که اگر خواست ظرف یکسال از تاریخ وقف آن را فسخ کند و مالش را مسترد کند.

شرط عوض در وقف: شرط عوض در وقف باطل است ولی وقف را باطل نمی‌کند. یعنی واقف بر موقوف علیه که مال را بر او وقف نموده مانند فرزندش، شرط کند که یا کاری به سود او انجام دهد یا مالی به او بدهند.

مشخصه‌های واقف: واقف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند. پس اگر کسی بدون اجازه مالک، مال او را وقف کند، وقف غیرنافذ است و مالک می‌تواند آن را تنفیذ یا رد کند. واقف باید عاقل، بالغ و رشید باشد. پس اگر دیوانه یا طفلی یا سفیه ی مال خود را وقف کند، وقف باطل است و ولی یا قیم هم نمی‌تواند آن را تنفیذ کند. همچنان که ولی یا قیم نمی‌تواند مال او را وقف نماید؛ زیرا معامله‌ای کاملاً زیان بار است.

عدم جواز وقف اموال بدهکار: اگر ورشکسته مال خود را وقف کند یا بدهکار مالی را که در وثیقه طلبکار گذاشته است، وقف کند و صحیح نیست و موقوف به اجازه طلبکار می‌باشد. همچنین اگر ورثه بعد از فوت مورث خود و قبل از پرداخت بدهی و اجرای وصیت او، اموالش را وقف کنند، این وقف به زیان طلبکار و موصی له می‌باشد و باید آنها اجازه بدهند

وقف نامشروع: منظور از وقف نامشروع این است که یا خود مالی که وقف شده است، نامشروع و غیرقانونی است مانند کالای عتیقه یا قاچاق یا مالی که وقف شده است مشروع و قانونی است ولی منفعتی که از آن مال بدست می‌آید غیرقانونی است. مانند وقف زمین برای کشت مواد مخدر یا وقف اتومبیل برای حمل مواد مخدر

متولی در وقف: کسی که مال وقفی را اداره می‌کند متولی است. متولی ۳ وظیفه برعهده دارد:

۱. اولاً موقوفه را تعمیر می‌کند.
۲. دوماً موقوفه را اداره می‌کند مثلاً اجاره دادن آن.
۳. سوماً منافع موقوفه را بین افرادی که وقف به نفع آنها انجام شده است، تقسیم می‌کند.

اگر وقف فاقد متولی باشد، در وقف عام، اداره‌ی آن به سازمان اوقاف واگذار می‌شود و اگر وقف خاص باشد، اداره آن به افرادی که وقف به نفع آنها انجام شده است، سپرده می‌شود. نحوه تقسیم میزان منافع به این شکل است که منافع بین افرادی که وقف به نفع آنها انجام شده است، به چه میزان تقسیم می‌شود، اولویت با گفته واقف است ولی اگر واقف سکوت کند، در وقف خاص منافع بصورت مساوی تقسیم می‌شود و در وقف عام متولی، نظام تقسیم را مشخص می‌کند.

این عقد مانند هر عقد دیگری که بین طرفین ایجاد شده، از ارکانی تشکیل می‌شود که طرفین آن، واقف و موقوف علیه هستند. در شرع و قانون، هر یک از این ارکان باید واجد شرایط شرعی و قانونی خاص خود باشند تا وقف به صورت صحیح تحقق یابد. به زبان دیگر شرایطی که برای هر یک از این سه رکن ذکر می‌شود، شرایط صحت وقف است. (۱- واقف ۲- موقوفه علیه ۳- عین موقوفه)

واقف و شرایط آن: واقف یعنی شخصی که مالش را در راستای استفاده خیر وقف کند. واقف باید دارای اهلیت قانونی و شرعی برای بستن قرارداد بوده که این اهلیت به معنای این است که واقف بالغ، عاقل و مختار بوده و حق تصرف در مال خود را داشته باشد. بنابراین سفیه و یا ورشکسته که از تصرف در مال خود منع شده، نمی‌تواند اموال خود را وقف کند اما مسلمان بودن واقف شرط نیست، بنابراین انجام این عقد توسط کافر نیز صحیح است. همچنین در ماده ۵۷ قانون مدنی ذکر شده که واقف باید مالک مال وقفی باشد. بنابراین

شرط درستی وقف این است که شخص واقف باید مالک ملک موقوفی بوده و از نظر حقوقی نیز صلاحیت مالکیت را داشته باشد یعنی عقل، بلوغ، قصد و رضایت.

موقوف علیه و شرایط آن: دومین رکن از ارکان عقد وقف، موقوف علیه است. موقوف علیه یعنی کسی یا کسانی که مال به نفع آنها وقف شده و حق استفاده از مال موقوفه را دارند. به تبع اینکه موقوف علیه شخص خاصی بوده یا اداره اوقاف است، وقف به دو دسته عام و خاص تقسیم می شود و در هر دو صورت موقوف علیه باید سه ویژگی داشته باشند:

۱- موقوف علیه وجود داشته باشد: یعنی وقف به نفع کسی که وجود ندارد صحیح نیست مثلاً کسی که در حین عقد وقف فوت کرده است. اما به نفع معدومی که بعداً به وجود می آید، جایز است برای مثال وقف به نفع جنین صحیح می باشد به شرطی که زنده متولد شود.

۲- موقوف علیه باید معین باشند: یعنی در این عقد باید مشخص شود که وقف برای چه کسی است. مشخصات، اسم و صفت آن ها باید قید گردد به گونه ای که تعیین کردن آنها به سادگی امکان پذیر باشد. مثلاً در وقف مسجد باید مشخص شود که منظور کدام مسجد و در کدام محله است در غیر این صورت عقد باطل خواهد بود.

۳- موقوف علیه باید اهلیت تملک داشته باشند: یعنی کسی که مال برای او وقف می شود، باید از نظر عقلی و قانونی بتواند مالک منافع عین موقوفه شود که این موضوع همان مسائل مربوط با اهلیت است.

عین موقوفه و شرایط آن: عین موقوفه یعنی مالی که توسط واقف، وقف می شود. برای آنکه این عقد به درستی انجام شود، وجود چند شرط در عین موقوفه لازم است که به اختصار این شرایط را توضیح خواهیم داد.

حبس عین: حبس عین به این معناست که واقف حق هیچگونه فروش و نقل و انتقال حقوقی در مال موقوفی و یا هرگونه تصرفی که منافی با وقف باشد را ندارد.

تسبیل منفعت: واقف باید با نیت تقرب الهی و فی سبیل الله مالی را وقف کند.

قابلیت عین بقا: طبق ماده ۵۸ قانون مدنی این شرط به این معناست که مال مورد موقوفه چه منقول باشد چه غیرمنقول، باید دارای بقای ابدی باشد تا بتوان از منافع آن در دراز مدت استفاده کرد. برای مثال وقف میوه جایز نیست ولی خود درخت یا باغ قابلیت آن را دارد.

قبض عین و قابل تحویل بودن مال موقوفی: با استناد به حکم شرع از جمله شرایط صحت عقد، قبض و اقباض (تحویل و تسلیم) مال مورد وقف است. این مال باید در اختیار موقوف علیه یا موقوف علیه گذاشته شود به این دلیل که عقد وقف جزو عقود تشریفاتی محسوب شده و برای تحقق آن، مال باید به قبض و تسلط فرد مورد نظر برسد. بنابر این وقف حیوان فراری که امکان تحویل آن وجود ندارد صحیح نیست. طبق ماده ۵۹ قانون مدنی، اگر واقف، عین موقوفه را به تصرف درنیآورد، وقف محقق نمی شود و هر وقت به قبض داد، این عقد تحقق پیدا می کند.

روئیت: مال موقوفه باید قابل رؤیت و عینی بوده و ملک وقف کننده باشد. به این صورت که منافع یا دیون نمی توانند مورد وقف قرار بگیرند. برای مثال مستاجری که منافع ملکی را از موجر اجاره کرده است، حق وقف آن را ندارد.

موقوفه باید دارای منفعت حلال بوده و استفاده از مکان وقفی برای اموری مثل فروش شراب یا فرقه های ضاله باطل است.

از دیگر شروط این است که منفعت مالی که متعلق به غیر باشد، مانع از تصرف است. بنابراین واقف نمی تواند ملکی را که رهن داده، وقف کند زیرا منافع متعلق به مرهون است.

وقف به چند اعتبار اتفاق می افتد؟

- به اعتبار زمان
- به اعتبار منفعت
- به اعتبار موقوف علیه یا موقوف علیهم

وقف به اعتبار زمان: این نوع وقف به دو دسته تقسیم می شود. اولی وقف منقطع که در آن واقف مالی را در زمان خاصی به افرادی خاصی وقف می کند. مثل وقف زمین به اولاد. دوم وقف موبد یا همیشگی که در مقابل وقف منقطع قرار دارد و مدت زمان در آن مطرح نیست مثل وقف مسجد برای عموم مردم.

به اعتبار منفعت: اگر هدف واقف، تحصیل درآمد باشد تا آن درآمد در خصوص معینی هزینه شود، آن را وقف منفعت نامند، مانند وقف ملک برای اداره مسجد و مدرسه. علاوه بر آن نوع دیگری به نام وقف انتفاع وجود دارد به این صورت که اگر نظر واقف، تحصیل درآمد مادی نباشد، آن را وقف انتفاع گویند مانند احداث مسجد در زمین ملکی خود. در وقف انتفاع موضوع درآمد زایی و خرج آن در راه خیر مطرح نیست بلکه مردم صرفاً می توانند از ملک موقوفی استفاده کنند.

وقف به اعتبار موقوف علیهم: از مشهورترین تقسیم بندی، تقسیم به وقف عام و وقف خاص است که اکثریت مردم با این دو مفهوم تا حدی آشنایی دارند.

وقف عام: در وقف عام، استفاده کنندگان از آن مال موقوفه، شخص یا گروه خاصی نیستند بلکه وقف برای مصلحت عموم است بنابراین این کسانی که این عقد به نفع آن ها صورت می گیرد بسیار زیادند و تنها به افراد خاصی محدود نمی شود مانند مساجد و بیمارستان ها. اگر واقف، متولی و ناظری را برای اداره امور موقوفه، مشخص نکرده باشد، اداره اوقاف می تواند این موضوع را حل کرده و به عنوان متولی، نظارت را بر عهده بگیرد.

وقف خاص: وقف خاص هنگامی است که بر شخص یا اشخاص معین و محصور باشد. مانند وقف بر اولاد یا بر دانش آموزان مدرسه شهر فلان یا موسسه خیریه فلان شهر. اما اگر واقف بگوید وقف دانش آموزان کردم، در اینجا با وقف عام مواجه هستیم نه وقف خاص زیرا مشخص نشده دانش آموزان کدام مدرسه و کدام شهر. نظارت بر موقوفه های خاص نیز بر عهده متولی و انتخاب متولی بر عهده واقف است اما اگر متولی خاصی انتخاب نشده باشد، موقوف علیهم باید اموال موقوفی را اداره کنند.

تفاوت سند وقفی با سند ملکی: برای فهم تفاوت اسناد وقفی و اسناد ملکی عادی، بهتر است به بررسی جداگانه هریک از این مفاهیم بپردازیم. وجود زمینه های مختلف در تفاوت این اسناد، باعث می شود تا افراد دقت کافی را در رابطه با خرید املاک وقفی به عمل آورده و گهگاه دچار اشتباه نشوند.

سند اوقافی: اسناد موقوفی یا وقفی، برخی از اختیارات مالکیت عادی را از افراد سلب می کنند و در زمینه های خرید و فروش و ساخت و ساز، به مالک اختیار کامل نمی دهند. منظور از اسناد وقفی این نیست که ملک مورد نظر دارای مالکیت معارض است و یا اداره اوقاف مالک اصلی آن است بلکه ملک وقفی ملکی است که زمین آن متعلق به شخصی بوده و آن شخص زمین خود را وقف کرده. اداره اوقاف زمین های وقفی را به صورت اقساط ۹۹ ساله به اشخاص دیگر واگذار نموده و کسی که این زمین ها را خریداری می کند باید سالیانه مبلغی را به اداره اوقاف پرداخت کند. همچنین ساخت و ساز در زمین های موقوفی به این صورت است که شخص صرفاً امکان گرفتن سند برای بنای ساخته شده را دارد زیرا نمی تواند مالک اصلی زمین وقفی شود. این موضوع به سند عرصه و اعیان ملک باز می گردد.

مبلغی که بابت املاک وقفی پرداخت می شود ناچیز است و علت این موضوع این است که خیلی از افراد نمی دانند صاحب اصلی این زمین ها چه کسانی هستند و عقیده دارند در صورت راضی نبودن صاحبان، هرگونه عمل مذهبی در این مکان ها باطل است. البته لازم به ذکر است این عقاید، عقاید درست نیستند زیرا اگر در رابطه با املاک وقفی، خطایی به وجود آمده باشد از طرف مدیران اداره اوقاف خواهد بود. همچنین زمین های وقفی بدون مجوز امکان خرید و فروش نداشته و هرگونه تغییر در املاک اوقافی باید طی مراحل با حضور اداره اوقاف انجام شود.

سند ملکی: هر سند ملکی که دارای شش دانگ است در قالب یک جلد سند می باشد با تمامی شرایط از جمله شماره پلاک ثبتی، شماره قطعه، ملاحظات، اوراق مربوطه به سند، شماره سریال و نام و مشخصات ملک یا مالکان که قید آن ها در سند الزامی است. از لحاظ اعتبار و ارزش اسناد شش دانگ از اعتبار بیشتری برخوردار هستند بنابر این تفاوت قیمتی مازاد آن ها نسبت به اسناد اوقافی به همین دلیل است. مالک اسناد عادی اشخاص معینی هستند و نقل و انتقال و فروش آن ها حتما باید از طریق اداره ثبت اسناد صورت بگیرد اما در اسناد اوقافی، نظارت ناظر و متولی (سازمان حج و اوقاف) کافی است.

تهیه و تنظیم:

جناب آقای دکتر بهرام کندایی مدیریت سازمان های مردم نهاد و خیرین سلامت دانشگاه علوم پزشکی کردستان

سرکار خانم سیما میرزائی مقدم رئیس اداره خیرین سلامت دانشگاه علوم پزشکی کردستان

آقای ادريس ابراهيمی کارشناس اداره خیرین سلامت دانشگاه علوم پزشکی کردستان